

دکتر دانیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، درس ۹

فیلیپیان ۱

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه نهم، فیلیپیان ۱ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد فیلیپیان خوش آمدید.

ما به مقدمه‌مان در مورد فیلیپیان نگاهی انداختیم و همچنین کمی در مورد پیشینه شهر، فرهنگ و چگونگی ورود مسیحیت به فیلیپی صحبت کردیم. توجه شما را به چگونگی ارتباط پولس با مؤمنان این کلیسا و ایجاد رابطه بسیار خوب با آنها جلب می‌کنم. این موضوع با بررسی آزمون و مشاهده مضامین برجسته شده در این آزمون خاص به نام فیلیپیان آشکار خواهد شد.

همچنین برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد این آزمون و زبانی که در آن استفاده می‌شود را خواهیم دید. اگر از سخنرانی قبلی به خاطر داشته باشید، من سخنرانی را با خواندن نقل قولی برای شما به پایان رساندم که در واقع نشان می‌دهد پولس در این نامه خاص از کلماتی استفاده می‌کند که در هیچ یک از نامه‌هایش استفاده نمی‌کند. تا حدودی به این دلیل که پولس در زندان روم بود و برای مسیحیان در یک مستعمره رومی نامه می‌نوشت، آنها زبان مشترکی دارند که وقتی او برای برقراری ارتباط استفاده می‌کرد، آنها می‌توانستند آن را به وضوح درک کنند.

حالا، با شروع سخنرانی بعدی در مورد فیلیپیان، در واقع قصد داریم نگاهی سریع به موضوعات کلیدی نامه ببندیم. ممکن است در طول این سخنرانی متوجه شوید که دوست دارم چیزی را که من آن را لامپ‌های روشنایی یا جرقه‌ها می‌نامم، به شما ارائه دهم، چیزهایی که باید هنگام انجام آزمون در ذهن شما زنگ بزنند، بنابراین، در فیلیپیان، ابتدا چند موضوعی را که می‌خواهید هنگام انجام آزمون در ذهن خود داشته باشید، شرح می‌دهم.

همچنین توجه شما را به برخی از استراتژی‌های بلاغی دنیای باستان جلب می‌کنم که دانستن آنها برای درک نحوه نگارش، طراحی رساله فیلیپیان، نحوه انجام استدلال‌ها، نحوه ترکیب بلاغت و نحوه استفاده پولس از استراتژی‌هایی که پولس در اینجا برای متقاعد کردن استفاده می‌کند، بسیار مهم است. در واقع، یکی از محققان به نام بن ویتزینگتون استدلال می‌کند که پولس در واقع برخی از استراتژی‌های بلاغی را که من در این مقاله به شما نشان خواهم داد، می‌دانست و این در واقع نوشته‌های او در مورد فیلیپیان را به طور قابل توجهی شکل داده است. بنابراین، بیایید ابتدا به برخی از مضامین کلیدی نگاه کنیم.

با نگاهی به رساله فیلیپیان، باید موضوع دوستی را در ذهن خود نگه دارید. من اشاره کردم که در واقع، در رساله فیلیپیان، دوستی آنقدر مهم است که تقریباً احساس می‌کنید احساسات پولس در نحوه نگارش او به حقیقت می‌پیوندد. او درباره چیزهایی صحبت می‌کند که از قلبش سرچشمه می‌گیرند.

او از رابطه‌ی محکمی که با آنها دارد صحبت می‌کند، تقریباً مثل یک پدر و فرزندانش. بنابراین، دوستی را در ذهن خود نگه دارید. دوم، باید کلمه شادی یا سرور را در ذهن خود نگه دارید.

اگر از کلیساهایی هستید که من با آنها آشنا هستم، احتمالاً یک یا دو آهنگ در جای دیگری می‌خوانید که در فیلم‌های عبارات بسیار محبوبی مانند «شاد باشید» دارند. و باز هم می‌گویم شاد باشید. پولس برخی از این عبارات را برای کلیسای در فیلمی خواهد نوشت.

سعی کنید آنها را تشویق کنید که در مواجهه با رنج، در مواجهه با فکر کردن به رنج خودشان و حتی احتمالاً برخی از چالش‌هایی که ممکن است خودشان به عنوان مسیحیان در شهر فیلمی با آن روبرو شوند، شاد باشند. نکته دیگری که خواهید دید و باید در ذهن خود داشته باشید، موضوع فروتنی در این نامه است. پولس قصد دارد کلیسا را به چالش بکشد تا طرز فکری را ایجاد کند که در واقع شایسته افرادی باشد که عیسی مسیح را پروردگار خود می‌نامند.

او قرار است به موضوع بسیار مهمی پردازد که من دوست دارم در نوشته‌های پولس بر آن تأکید کنم. این واقعیت که تغییر طرز فکر در واقع بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد. برای اینکه تغییرات رفتاری مؤثر واقع شوند، باید یک تغییر اساسی در طرز فکر ایجاد شود.

پولس در ادامه به فروتنی می‌پردازد تا حتی نشان دهد که چگونه طرز فکر مؤمنان باید از مسیح‌گوبرداری شود و سپس آنچه را که ما سرود مسیح می‌نامیم به ما می‌دهد تا در مورد چگونگی فروتنی مسیح و چگونگی، آن فروتنی، خداوند او را سرافراز می‌کند و نامی برتر از هر نام دیگری به او می‌دهد. اینکه با ذکر نام عیسی هر زانویی خم شود یا باید خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی خداوند است. موضوع دیگری که می‌خواهید به عنوان پس‌زمینه نگه دارید، مسیح به عنوان راهی برای الگوسازی مسیحی است.

و فراتر از مسیح، پولس شخصیت‌های مختلفی، از جمله خودش، را به عنوان الگویی برای پیروی نشان خواهد داد. به عبارت دیگر، در فیلم‌های پولس به ما یادآوری می‌کند که رهبری مسیحی، الگوسازی است. رهبر مسیحی بودن یعنی در جایی باشید که، چه بدانید چه ندانید، کسی از شما پیروی می‌کند، کسی شما را مشاهده می‌کند و کسی از شیوه زندگی شما می‌آموزد.

بنابراین، آنها باید به این موضوع توجه کنند. او مسیح و برخی از یارانش و خود را به عنوان الگویی خوب برای پیروی برجسته خواهد کرد. حال، این موضوع مرا به این نکته می‌رساند که ما مضامین پس‌زمینه را داریم که این را به عنوان پس‌زمینه نیز حفظ می‌کند، یعنی استراتژی بلاغی که توسط پولس به کار گرفته شده است.

باید بگویم که این هیچ اشاره‌ی خاص مسیحی به آن ندارد، زیرا این راهبردهای بلاغی همان راهبردهایی هستند که در بین فیلسوفان و بلاغت‌پژوهان، چه یونانی و چه لاتین، رایج است. اجازه دهید توجه شما را به سه چارچوب یا استدلال کلیدی که آنها در بحث خود مطرح می‌کنند، جلب کنم. بنابراین، در نوشته‌های یونانی-رومی یا در استدلال، این همان چیزی است که ما آن را بلاغت قضایی می‌نامیم.

خطابه قضایی نوعی خطابه است که در آن فرد در مقابل مخاطب می‌ایستد و استدلالی را مطرح می‌کند تا نشان دهد چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است. در دنیای باستان، وقتی می‌توانید به شهرداری بروید و پرونده‌ای تشکیل دهید و حمایت دریافت کنید، فرم قضایی خطابه بسیار مهم است، به خصوص اگر دوست شما یا کسی که دوستش دارید دچار مشکل شده باشد. شما باید بتوانید مهارت‌های لازم برای ایستادن، طرح دعوی و استخراج تضادهای دقیق را بیاموزید تا بتوانید درست را از نادرست، بیخشدید، درست را از نادرست تشخیص دهید تا فرد یا افرادی که به شما گوش می‌دهند واقعاً تسلیم شوند و بگویند، بله؛ ما به نکته شما رسیدیم، شما پرونده‌ای تشکیل دادید؛ در واقع حق با شماست.

برای طرح چنین استدلالی، مهارت خاصی لازم است که باید توسعه یابد. دومین چارچوب بلاغی یا راهبرد بلاغی شناخته شده در جهان باستان، چیزی است که ما آن را بلاغت سنجیده می‌نامیم. بلاغت سنجیده برای ترغیب یا منصرف کردن در مورد یک اقدام مصلحت‌آمیز در آینده در نظر گرفته شده است.

خب، اتفاقی قرار است بیفتد، و شما این مهارت را در خود پرورش می‌دهید. مثلاً، می‌دانید، یک مثال برایتان می‌زنم. انتخابات نزدیک است، و شما مبارزات انتخاباتی را شروع می‌کنید. آن زمان، زمان مناسبی برای یادگیری نحوه‌ی بیان لفاظی‌های قضایی خوب برای طرح یک دعوی نیست.

مردم خیلی به این چیزها اهمیت نمی‌دهند. اگر انتخابات فردا باشد، تمام ترفند لفاظی شما باید طوری طراحی شود که مردم را به رأی دادن ترغیب کند. اگر سعی کنید بیش از حد با حقایق و ارقام بازی کنید، آنها را از دست می‌دهید.

سپس، با استفاده از این استراتژی بلاغی، ممکن است یاد بگیرید که شاید مهمترین کاری که باید انجام دهید ارتباط برقرار کردن با مخاطب باشد. همچنین ممکن است یاد بگیرید که شاید مهمترین کاری که باید انجام دهید این است که به آنچه برای آنها مهم است نگاه کنید و به آنها بگویید که این همان کاری است که می‌خواهید برای آنها انجام دهید. حتی اگر این یکی از 30 کاری باشد که می‌خواهید انجام دهید، از بلاغت سنجیده استفاده می‌کنید، موضوع خود را مطرح می‌کنید، مردم را به سمت خود تحریک می‌کنید و آنها را به رفتن وا می‌دارید. بله، شما کسی هستید که ما به او رأی می‌دهیم.

نوع سوم لفاظی چیزی است که ما آن را لفاظی اپیدمیک می‌نامیم. لفاظی اپیدمیک از ستایش یا سرزنش برای ترویج ارزش‌ها یا تأیید یک موضع استفاده می‌کند. بنابراین، اگر می‌خواهید رفتار بد را منع کنید، می‌توانید با این جمله شروع کنید که، می‌دانید، از بین تمام شهروندان این شهر خاص، ما به خاطر درستکاری و شرافتمان شناخته شده‌ایم.

ما به خاطر تمام چیزهای بزرگی که اجدادمان برای ما به ارث گذاشته‌اند، شناخته شده‌ایم. یکی از چیزهایی که شایسته‌ی ما نیست، مثلاً دزدی است. سپس، می‌توانید نشان دهید که دزدی چقدر شرم‌آور و نکوهیده است.

همانطور که این کار را انجام می‌دهید، از بلاغت اپیدمیک استفاده می‌کنید تا در واقع از سرزنش و ستایش برای جلب وجدان مردم استفاده کنید تا از شما حمایت کنند. بلاغت پردازان یونان باستان اغلب از این روش استفاده می‌کردند. فیلسوفان رومی، حتی نه تنها آراتوس، برخی از این روش را به کار می‌بردند.

محققان معتقدند که پولس از این موضوع خبر داشته است. گذشته از همه اینها، پولس، او که بود؟ خب، ما می‌دانیم که پولس یک مرد یهودی دانشمند بود. ما می‌دانیم که او نزد غملائیل تحصیل کرده است.

ما فراتر از این می‌دانیم که پولس در یک شهر دانشگاهی، تاسوس، بزرگ شده است. او یونانی را خیلی خوب می‌داند. آیا می‌خواهید بدانید؟ شما یونانی عهد جدید را مطالعه می‌کنید و سعی می‌کنید پولس را مطالعه کنید.

اما می‌دانید که دانش‌آموزان به شما خواهند گفت، چرا انجیل یوحنا سراسر است؟ و چرا پولس اینقدر پیچیده است؟ خب، آن مرد زیان را می‌داند و وقتی هیجان‌زده می‌شود، از کلماتی استفاده می‌کند که ما اصلاً نمی‌فهمیم و باید خیلی تلاش کنیم تا آنها را بفهمیم. او مرد فهمیده‌ای بود. او فرهنگ یونانی، نظام یونانی و زبان یونانی را می‌فهمید و می‌توانست خیلی خوب با آنها کار کند.

احتمالاً با کار در دنیای یونانی-رومی، او این فرصت را داشته است که در مورد روم، یونانی و فن خطابه رومی نیز مطالبی بیاموزد. به همین دلیل است که محققانی مانند بن وورتینگتون، که در مدرسه الهیات آبری تدریس می‌کند، خواهد گفت که او متقاعد شده است که پولس در واقع هنگام نوشتن فیلیپیان از این ویژگی‌ها در فن خطابه آگاه بوده است. ویژگی‌های بلاغی، این سه مورد، بخش کلیدی هستند

در فن خطابه زیرمؤلفه‌هایی وجود دارد که دوست دارید به آنها توجه کنید، زیرا من در بررسی فیلیپیان به برخی از آنها اشاره خواهم کرد. یکی از جزئیات نحوه عملکرد فن خطابه در سطح زیرین، چیزی است که ما آن را خروج می‌نامیم. خروج در فن خطابه باستان بسیار بسیار مهم است

این بخشی از فن بیان و مهارت بلاغی است که مخاطب را به دام می‌اندازد، مخاطب را از کاری که انجام می‌دهد به کاری که شما انجام می‌دهید متمرکز یا توجه می‌کند. اگر دوست دارید، این همان قلاب است. شاید وقتی در دبیرستان بودید، برخی از سه نکته کلیدی فن بیان یونان باستان را یاد گرفته باشید

این سه نکته کلیدی عبارتند از اخلاق و حس همدردی، و مورد سوم اخلاق، حس همدردی و لوگوس است که شما ابتدا از دبیرستان یاد می‌گیرید. لوگوس جوهره و محتوا است. حس همدردی ارتباط عاطفی است که شما می‌خواهید به عنوان یک سخنران برقرار کنید، که در واقع می‌توانید با مخاطب ارتباط برقرار کنید

البته، این اخلاق، این واقعیت که کسی که ارائه می‌دهد فردی درستکار است و شما جایگاه و حق شنیده شدن دارید، عواملی هستند که باید در نظر بگیرید. این مهارت‌های بلاغی که من در اینجا در مورد آنها صحبت می‌کنم، بر این اساس بنا شده‌اند. اینها سه چیز اساسی هستند که هر فرد تحصیل کرده‌ی ابتدایی آنها را مفروض می‌گیرد

مواردی که اینجا در موردشان صحبت می‌کنم مهارت‌های بیشتری هستند که یاد می‌گیرید و برون‌ریزی یکی از کلیدی‌ترین آنهاست. بنابراین، اگر در حال آماده کردن یک سخنرانی هستید، به برون‌ریزی فکر می‌کنید. قبل از اینکه مردم را وادار به گوش دادن به خودم کنم، چه کاری باید انجام دهم؟ و شما شروع به فکر کردن در این زمینه می‌کنید

حوزه دیگر روایت است. روایت در همه سخنرانی‌ها کاربرد ندارد، اما گاهی اوقات کاربرد دارد و آن بخشی است که به پیشینه و حقایق مربوط می‌شود و قضیه را مطرح می‌کند. شما پیشینه را ارائه دهید، آنها را را می‌شناسید و آنها را با خود می‌آوردید nutritioning مرتبط و روایت کنید همانطور که کلمه انگلیسی

در دادگاه‌های امروزی، وکلا نیز از این مهارت استفاده می‌کنند. آنها داستانی را تعریف می‌کنند. آنها سعی می‌کنند وقتی در مورد رویه قضایی صحبت می‌کنند، آن را به کار ببرند

گزاره‌ای نوع دیگری از زبان است که بیان می‌کند چه چیزی مورد توافق است و چه چیزی مورد اختلاف یا مورد اختلاف. در گزاره‌ای، معلم بلاغت شما به شما یاد می‌دهد که باید از این فکر دست بردارید که اگر به مردم چیزی را بگویید که نیستند، حرف شما را باور خواهند کرد. باید این کار را متوقف کنید

شما باید بتوانید به آنها بگویید که همه ما چه چیزی را قبول داریم. و بنابراین، همه ما در این مورد اتفاق نظر داریم. باید بتوانیم به وضوح کشف کنیم که در چه مواردی با هم اختلاف نظر داریم و چرا آنها باید در این بحث طرف شما باشند

به نظر می‌رسد پولس این مهارت‌ها را می‌دانست. وای. احتمالاً فکر کردید که من قصد دارم فیلیپیان را مطالعه کنم

حالا، به نظر می‌رسد که من دارم فن خطابه یونان باستان را مطالعه می‌کنم. بله. و به شما می‌گویم چرا.

مطالعه برخی از این ویژگی‌ها آنقدر مهم است که می‌توانید درک کنید که نامه‌های عهد جدید برای خواندن نوشته نشده‌اند. آنها برای این نوشته نشده‌اند که مردم آنها را بردارند، بخوانند و مطالعه کنند. آنها در واقع برای شنیدن نوشته شده‌اند.

به طوری که یک یا دو نفر که می‌دانند چگونه بخوانند، کسانی می‌شوند که آنها را با وضوح می‌خوانند و بقیه می‌شنوند. و از آنجا که قرار است برای اکثر مردم شنیده شود، فن بیان برای انتقال آنچه گفته می‌شود با وضوح مهم است. اگر همه مطالب، حقایق و ارقام را کنار هم بگذارید، بسیار خسته کننده می‌شوند و وقتی خوانده می‌شوند، مردم آنها را دنبال نخواهند کرد.

کتابت‌ها را بر اساس اعتبار گوینده بنا، probatio و به نظر می‌رسد که پولس از این الگوها، از جمله می‌کرد، پیروی می‌کرد. اگر شما به عنوان کسی که حقیقت را نمی‌گویید شناخته می‌شوید و اکنون در مورد فضیلت حقیقت صحبت می‌کنید، به دردسر می‌افتید. شما می‌خواهید این را در ذهن خود نگه دارید تا اگر در مورد آنچه صحبت می‌کنید یا آنچه که در مورد آن استدلال می‌کنید معتبر نیستید، مطمئن شوید که در جایی آن را رد می‌کنید.

شما در دنیای باستان توجه شما را به این ویژگی‌ها جلب می‌کند و می‌گوید اگر می‌خواهید کسی را متقاعد کنید، این ویژگی‌ها را در نظر بگیرید. آخرین مورد در این فهرست، رد کردن است که به معنای واقعی کلمه همانطور که در انگلیسی به نظر می‌رسد، بخشی از فن خطابه است که استدلال مخالف را رد یا تکذیب می‌کند. به نظر می‌رسد پولس این را می‌دانست.

و حالا او برای دوستانش نامه می‌نویسد. او به برخی از آن مسائل پیچیده که جنجال برانگیز و از این قبیل هستند، نمی‌پردازد. و بنابراین لازم نیست واقعاً نگران معلمان دروغین، کارهایی که قرار است انجام دهند و تمام مسائل پیچیده‌ی موجود در نامه‌های دیگر باشد.

حالا او می‌تواند بنشیند و برای دوستانش نامه بنویسد. در این یادداشت است که به فیلیپیان ۱ می‌پردازیم. فیلیپیان ۱ از آیات ۱ و ۲، پولس می‌نویسد، فیلیپیان ۱، پولس و تیموتاوس، خدمتگزار مسیح عیسی، به همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی با سرپرستان و خادمان هستند، فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح بر شما باد. تا این زمان، ممکن است متوجه شده باشید که این یک تبریک استاندارد در پولس است.

پولس، با توجه دادن شما به نحوه کارکرد نامه‌های یونانی-رومی، مستقیماً به نحوه کارکرد نامه‌نگاری در آنجا می‌پردازد، زیرا این سه مؤلفه در این درودها وضوح دارند. در یک پیش‌نویس یونانی-رومی یا در ابتدای نامه، نام فرستنده ذکر می‌شود، درودها داده می‌شود و نام گیرندگان ذکر می‌شود. و حدس بزنید پولس اینجا چه می‌کند؟ پولس کسانی را که نامه را می‌فرستند شناسایی می‌کند و می‌گوید که خودش بوده، پولس.

او، پولس و تیموتاوس بودند. تیموتاوس همکار پولس بود. ببینید چطور رابطه‌شان را با یک حرف ربط ساده توصیف می‌کند: پولس و تیموتاوس.

بردگان، اگر بخواهم به معنای تحت‌اللفظی ترجمه کنم، بردگان یا خادمان مسیح عیسی. می‌دانیم که تیموتاوس و پولس به معنای واقعی کلمه برده نیستند. این استعاره‌ای است که در واقع ماهیت رابطه آنها را بیان می‌کند.

ماهیت رابطه آنها این است که عیسی مسیح را به عنوان خداوند بر زندگی خود می بینند. و اگر عیسی خداوند بر زندگی آنها باشد و آنها برده‌های خداوند عیسی مسیح باشند، پس تمام زندگی آنها وقف انجام دستورات یا خواسته‌های عیسی مسیح است. به این معنا، آنها می‌توانند بگویند که ما بنده یا برده هستیم و او خداوند و ارباب ماست.

گفتن اینکه آنها خادمان مسیح عیسی هستند، به این معنی است که آنها تسلط عیسی مسیح را بر زندگی خود تصدیق می‌کنند. نویسندگانی به نام مویز سیلوا، در تفسیر خود در فیلیپیان، در این سلام‌های ساده، نکته‌ی بسیار خوبی را بیان می‌کند. مویز سیلوا متوجه می‌شود که وقتی پولس، پولس و تیموتائوس را خادمان می‌نویسد، در ادامه می‌گوید خادمان مسیح عیسی، و در ادامه می‌گوید به مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی هستند، و سپس بعداً در آیه‌ی دوم، می‌گوید فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

و مؤثر این را می‌نویسد تا این موضوع را توضیح دهد. جالب است که از چهار رساله‌ای که پولس در آنها خود را به عنوان رسول معرفی نمی‌کند، سه رساله خطاب به کلیساهای مقدونیه، فیلیپیان و یک و دو رساله به تسالونیکیان نوشته شده‌اند. رساله چهارم مربوط به فیلیمون است که ظرافت موضوع، همانطور که در آیات ۱۷ تا ۲۰ دیده می‌شود، دلیل این ویژگی است.

پولس مجبور نیست در فیلیپی از حقوق رسالتی خود استفاده کند. او مجبور نیست نشان دهد که از اقتدار معنوی برخوردار است. او این نامه را برای دوستانش می‌نویسد.

بیشتر به این مربوط می‌شود که آنها در مسیح با هم چه کسانی هستند. آنها خادمان مسیح هستند. آنها در مسیح مقدسین هستند.

آنها مقدسینی هستند که در مسیح در فیلیپی ساکن هستند. اجازه دهید فقط یک تمرین سریع در مورد تیموتائوس داشته باشیم. چرا تیموتائوس در این روایت است؟ زیرا ارتباط تیموتائوس با این منطقه به دوران اولیه خدمت پولس در مقدونیه و اخائیه برمی‌گردد.

قبلاً وقتی آنها به منطقه‌ای که امروز آن را می‌نامیم رفتند، یا در این نامه خاص، فیلیپی و تسالونیک را نام خواهیم برد. از همه نشانه‌ها، به نظر می‌رسد که پولس تنها نویسنده است، اما به نظر می‌رسد که او همچنین از تیموتائوس نام می‌برد تا نشان دهد که تنها نیست، که تیموتائوس واقعاً با اوست، و به طور فزاینده‌ای، محققان به این عقیده متمایل شده‌اند که پولس ممکن است این بار از تیموتائوس نام ببرد، نه به این دلیل که او به معنای واقعی کلمه با تیموتائوس می‌نویسد، بلکه نشان می‌دهد که تیموتائوس واقعاً با او آنجاست و همه آنها خادمان مسیح هستند. گفته می‌شود که این ممکن است تلاشی برای آوردن یک فرد آشنا به بحث به عنوان یک شاهد مشترک باشد، و سیلوا به این نکته اشاره می‌کند.

با این حال، وقتی به این آزمون نگاه می‌کنید، توجه به اهمیت تیموتائوس در این معادله مهم است. پولس لزوماً از تیموتائوس نمی‌پرسد که آیا من یک خط را اجرا می‌کنم، یک خط می‌نویسم، تو خط دوم را می‌نویسی، بلکه بیشتر آنچه که به نظر می‌رسد در اینجا اتفاق می‌افتد، همانطور که من استدلال می‌کنم، این است که پولس می‌نویسد و نشان می‌دهد که تیموتائوس از نظر فیزیکی با او حضور دارد و اگر تیموتائوس اصلاً با او نمی‌نوشت، تیموتائوس آنچه را که می‌نویسد می‌بیند و تیموتائوس با او در یک روح است ویدرینگتون می‌گوید که از تیموتائوس در مقدمه چندین نامه پولس، فیلیپیان، کولسیان و فیلیمون، نام برده شده است، که نشان می‌دهد تیموتائوس قطعاً در طول حبس خانگی پولس، رویدادی که احتمالاً در طول سال‌های ۶۰ تا ۶۲ میلادی در روم رخ داده است، با او بوده است.

ویترینگتون می‌خواهد این واقعیت را به این نکته ربط دهد که پولس چه با او بنویسد و چه ننویسد، دوست دارد از تیموتائوس نام ببرد. این چیز جدیدی نیست. پولس می‌خواهد نشان دهد که تیموتائوس با اوست.

و این مرا به دریافت‌کنندگان می‌رساند. آیه ۲، یا ببخشید، بخش دوم آیه ۱ است. پولس از آنها به عنوان مقدسین یاد می‌کند. آنها مقدس هستند.

آنها کسانی هستند که برای استفاده خدا جدا شده‌اند. آنها مقدسینی نیستند که توسط پاپ به مقام مقدس رسیده باشند. آنها مقدس هستند زیرا جدا شده‌اند تا مقدس نگه داشته شوند یا برای خدمت خاصی برای خداوند، یعنی خدمت در خداوند عیسی مسیح، نگه داشته شوند.

و آنها مقدسین هیچ‌کس نیستند. آنها برای هیچ هدفی جدا نشده‌اند. اما آنها مقدسین در مسیح هستند.

و مسیح در اینجا می‌تواند محلی باشد که آنها در آن به عنوان قدیس اقامت دارند و عمل می‌کنند. در حوزه‌ای که مسیح خداوند است. در حوزه‌ای که تعالیم و رفتار آنها توسط مسیح شکل می‌گیرد.

جالب اینجاست که نقل قول و اشاره به آنها به عنوان "در مسیح" در این دستورالعمل، ابعاد جالبی دارد. و اجازه دهید متن را برای همه مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی هستند بخوانم.

سوال این است که آیا این واقعیت که عیسی در مسیح مقدم بر فیلیپی است، نشان می‌دهد که پولس می‌خواهد قبل از اشاره به شهروندی یا جایگاه آنها، ابتدا بر اینکه آنها در مسیح چه کسانی هستند تأکید کند؟ با علم به اینکه اینها مسیحیان فیلیپی هستند. آنها به شهروندی خود افتخار می‌کنند. آنها به جایی که از آنجا آمده‌اند افتخار می‌کنند.

وقتی با آنها به مشکل برمی‌خورید، همانطور که در اعمال رسولان دیدیم، شهروندان فیلیپی در واقع گفتند، ما رومی هستیم و پولس و دیگران آمده‌اند تا سعی کنند آداب و رسوم ما را تغییر دهند. آیا ممکن است که پولس در همان ابتدا، در اینجا اشاره‌ای به این داشته باشد که هویت واقعی شما در مسیح است؟ و شما مؤمنان به مسیح هستید که اتفاقاً در فیلیپی هستید.

اگر چنین باشد، پس برخی از نظراتی که در ادامه نامه خواهیم دید، بسیار منطقی خواهند بود. پولس قصد دارد به موضوع شهروندی بپردازد و به آنها کمک کند تا بفهمند شهروندی واقعی را باید در کجا دید. پولس در اینجا نظر جالبی ارائه می‌دهد.

وقتی اشاره می‌کند که این نامه را خطاب به مقدسین در مسیح عیسی که در فیلیپی هستند می‌نویسد، در ادامه می‌گوید که خطاب به ناظران و شماسان نیز هست. این قدیمی‌ترین اشاره به اسقف‌ها است. کلمه یونانی که در اینجا برای شما روی صفحه نمایش ترجمه شده است، اسقفی است.

به عبارت دیگر، اولین باری است که می‌توانیم این را ببینیم. این کلمه را می‌توان ترجمه کرد. آن دسته از شما که از سنت‌هایی مانند کاتولیک یا آنگلیکان می‌آید، ممکن است با کلمه اسقف آشنا باشید، یا گاهی اوقات در آن زمینه‌ها به معنای یک شیخ یا یک مقام استفاده می‌شود، episcopos، معادل لاتین آن.

پولس این کلمه را به یونانی در اینجا به کار می‌برد، و سوال این است. آیا این به معنای وجود اسقف‌ها است؟ آیا در کلیسای فیلیپی، کلیسا به حدی توسعه یافته است که مردم بتوانند به عنوان اسقف منصوبی داشته باشند؟ این سوال جالبی است که باید به آن توجه کرد زیرا این دو کلمه در جای دیگری از اول تیموتائوس

برای تعیین رهبران آمده‌اند. کلمه اسقفی یا بزرگان در آنجا بیشتر در اشاره به افرادی که رهبر هستند، ظاهر می‌شود و کلمه یونانی دیاکونوس یا وزیر نیز در آنجا به عنوان یک مقام ظاهر می‌شود.

اما باید در نحوه‌ی بازگرداندن این تأکید به فیلیپیان دقت کنیم، زیرا اگر این سؤال را مطرح کنیم که آیا واژه‌ی اسقفی به معنای غیرمسیحی، برخی از این عناصر را در خود دارد یا خیر، پاسخ مثبت خواهد بود. سیاستمداران از آن استفاده می‌کنند. آن‌ها از آن برای مقام کمیسر یا ناظر یک مستعمره استفاده می‌کنند.

اما آیا ممکن است که پولس فقط از آن به شیوه‌ای متفاوت استفاده کند تا بگوید بزرگانی وجود دارند و افرادی هستند که در کلیسا خدمت می‌کنند، بدون اینکه بگوید ساختارهای نهادی وجود دارد که در آن اسقف‌ها و شماسان داریم. محققان عهد جدید در مورد این ایده که اسقف‌های رسمی در زمان فیلیپیان وجود داشته‌اند، ناراحت هستند، زیرا هر چیز دیگری که می‌دانیم از این پشتیبانی نمی‌کند که مقام اسقف به اندازه‌ای که امروزه در کلیساهایی مانند کلیسای کاتولیک و غیره می‌دانیم، تثبیت شده باشد. اما ما از کسی مانند ایرنائوس می‌دانیم که بعداً در قرن دوم در مورد ساختارهای کلیسا صحبت خواهیم کرد و تا آن زمان در قرن دوم، این‌ها به مناصب اصلی تبدیل خواهند شد که مردم در اختیار خواهند داشت.

با این حال، تا این زمان، این منصب به این شکل توسعه نیافته بود. همانطور که در اول تیموتائوس می‌بینیم این منصب به آرامی تا زمان رساله‌های شبانی بیشتر و بیشتر توسعه یافت. اما تا زمان فیلیپیان، کلیساهایی را می‌شناسیم که عمدتاً کلیساهای خانگی هستند، ساختارهای رهبری آزاد یا راحت، جایی که مردم به عنوان ایماندار با هم ملاقات می‌کنند، معاشرت می‌کنند، یاد می‌گیرند و اوقات خوبی را با هم می‌گذرانند و نه کلیساهایی با ساختارهای شماسان و اسقف‌ها.

این موضوع مرا به تأمل در زبان پولس در سلام و احوالپرسی سوق می‌دهد. آیا متوجه شده‌اید که او چگونه به شیوه‌ی پولس به آنها سلام می‌کند؟ فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد. فیض.

هر زمان که پولس از این کلمه استفاده کرد، به شما یادآوری خواهد کرد، زیرا در درک پولس از این کلمه مهم است. فیض، کلمه‌ای که می‌توان آن را به عنوان هدیه ترجمه کرد، برای پولس معنای متفاوتی پیدا کرد. این کلمه به لطف یا رحمتی اشاره داشت که به فردی بسیار لجباز نشان داده می‌شد که خلاف جریان آب شنا می‌کرد و مستحق بدترین بدترین‌ها بود، اما خدا همچنان به او رحم می‌کرد.

از نظر او، فیض یک اصطلاح الهیاتی است. فیض فقط یک موهبت نیست. رحمت یا لطفی است که به کسی که شایسته آن نیست، عطا می‌شود.

یک بار، یک فریسی که در ذهن خود کارهای درست را برای خدا انجام می‌داد و کلیسای خداوند عیسی مسیح را آزار و اذیت می‌کرد، به طرز معجزه‌آسایی با کسی روبرو شد که خود را اینگونه معرفی کرد: من همان مسیحی هستم که شما او را آزار می‌دهید. درست زمانی که او ذهن خود را برای به چالش کشیدن، تنبیه یا مجازات شدن توسط این مسیح آماده می‌کرد، او به او رحم کرد. در آن روز در تجربه دمشق، پولس بعداً با یکی دیگر از پیروان خداوند عیسی مسیح به نام حنانيا ملاقات کرد.

او به او چیزهای بیشتری می‌گفت و او را غسل تعمید می‌داد، و زندگی‌اش تغییر می‌کرد. به ما گفته می‌شد که پولس در کتاب اعمال رسولان، پولس در واقع موعظه انجیل را در دمشق آغاز می‌کرد. وای! آنجا مقصد او بود تا پیروان عیسی مسیح را آزار و اذیت کند.

برای پولس، این فیض است. او لیاقت رحمتی که به او نشان داده شد را نداشت، و این زبان، زبان فیض زبانی با بار الهیاتی را برای توصیف درک خود از آنچه خدا با بشریت، آلوده و گرفتار گناه کرده است، به کار می‌گیرد. پولس به فیض در این روح سلام می‌کند.

فیض بر شما. و آرامش، شالوم و تندرستی خدا بر شما باد. و این آرامش از جانب خداست، پولس می‌خواهد شما بدانید که این آرامش از جانب خداست، خدایی که می‌توان او را پدر ما و استاد خداوند ما عیسی مسیح دانست.

هانسن، با تأمل در مورد فرمول موجود در همین دو آیه از رساله فیلیپیان، این نکته را مطرح می‌کند. تکرار سه‌گانه‌ی نام عیسی مسیح، مسیح عیسی، خداوند عیسی، مضمون اصلی را ارائه می‌دهد که در سراسر نامه دوباره ظاهر می‌شود و همه چیز را پیرامون شخص مسیح متحد می‌کند. اف. اف. بروس، محقق بریتانیایی، تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید وقتی در رساله فیلیپیان به صلح با این مفهوم فکر می‌کنیم، باید به این شکل به صلح فکر کنیم.

به گفته بروس، صلح، مجموع تمام برکات، چه دنیوی و چه روحانی، است. و فیض، منبعی است که این برکات از آن سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، پولس صلح را به دوستانش در فیلیپی پیشنهاد می‌کند، و نه فقط صلح، بلکه فیض و آرامش خدا، پدر ما و خداوند عیسی.

با این یادداشت است که او می‌تواند شروع کند و به بهترین شکل از قدردانی و شکرگزاری برای آنچه خدا انجام داده است، سپاسگزاری کند. او از آیه سوم فصل اول می‌نویسد: «من در تمام یاد شما، همیشه در هر دعایی که برای شما می‌کنم، خدای خود را شکر می‌کنم، و همه دعاهایم را با شادی به خاطر مشارکت شما، در انجیل از روز اول تا به حال انجام می‌دهم. من مطمئنم که کسی که کار نیک را در شما آغاز کرده است.» آن را در روز مسیح عیسی به کمال خواهد رساند.

حق داریم که چنین احساسی نسبت به همه شما داشته باشم، زیرا شما را در قلب خود جای داده‌ام، زیرا همه شما با من در فیض الهی شریک هستید. چه در زندان و چه در دفاع و تأیید انجیل، زیرا خدا شاهد است که چگونه با محبت مسیح عیسی مشتاق همه شما هستم. و دعای من این است که عشق شما با دانش و بصیرت افزون‌تر شود تا بتوانید آنچه را که عالی است، تشخیص دهید و در روز مسیح پاک و بی‌عیب باشید.

پر از میوه عدالت که از طریق مسیح برای جلال و ستایش خدا می‌آید. بیایید کمی مکث کنیم و کمی دقیق‌تر به دعا و شکرگزاری پولس نگاه کنیم. در اینجا می‌بینیم که در دعا و شکرگزاری پولس، ممکن است متوجه ESV شوید که در واقع، برخلاف زبان انگلیسی، اگر به یونانی نگاه کنید، نگاه من به ترجمه انگلیسی که الان از می‌خوانم، اصلاً چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.

در واقع، آیات ۳ تا ۸ به زبان یونانی یک جمله است. من برخی از آن جملات پولس را دعاهای نفس‌گیر یا ابراز شکرگزاری نفس‌گیر می‌نامم. فقط تصور کنید که از شما خواسته شده است این نامه را برای تعداد زیادی از مردم یا گروهی از مردم در یک کلیسا بخوانید، و شما باید آیات ۳ تا ۸ را بخوانید، و این یک جمله است.

چطور این کار را انجام می‌دادید؟ چقدر سریع انجام می‌دادید؟ در ساختارهای پیچیده یونانی پولس، چگونه کلمات را تلفظ می‌کردید؟ گاهی اوقات تصور می‌کنم پولس آنقدر هیجان‌زده و سرشار از شادی است که می‌آید و فقط می‌نویسد، و هر وقت او را در حال نوشتن این جملات طولانی می‌بینم، کلی حرف‌های شگفت‌انگیز برای گفتن دارد، همانطور که نه تنها در فیلیپیان خواهید دید، بلکه وقتی به افسسیان ۱

می‌رسیم، می‌بینید که از فصل ۱ آیه ۳ تا فکر می‌کنم آیه ۱۳ یک جمله است و چقدر هیجان‌زده است که فقط حرف‌هایش را بزند. همانطور که به شکرگزاری پولس فکر می‌کنیم، به این فکر کنید. به تأکید اصلی این شکرگزاری نگاه کنید.

مشارکت. رفاقت. او درباره سهیم بودن صحبت می‌کند.

او در ادامه درباره خاطره‌اش از این افراد صحبت می‌کند؛ او با اطمینان می‌گوید که آیه ۵ به خاطر مشارکت شما در انجیل از همان روز اول تا به حال است. آیه ۷: «من حق دارم که چنین احساسی نسبت به همه شما داشته باشم، زیرا شما را در قلب خود دارم و همه شما با من در فیض شریک هستید.» در ادامه آیه ۸ را «می‌گوید»: «زیرا خدا شاهد است که چگونه با محبت در مسیح عیسی مشتاق شما هستم».

احتمالاً فکر می‌کنید پولس احساساتی شده است. مردها این کار را نمی‌کنند. خب، نه، مردها این کار را می‌کنند.

وقتی مردان هیجان‌زده هستند، ابراز مشارکت، رفاقت، محبت و تمایل به بودن با دوستان اشکالی ندارد. در مورد پولس، در دعا و شکرگزاری‌اش، چیزی را می‌بینید که ویرینگتون آن را به عنوان مقدمه‌ای معرفی می‌کند که در آن قصد دارد یک واکنش عاطفی را برانگیزد. همانطور که مردم درباره پولس می‌خوانند، می‌بینیم که او ما را در قلب خود جای داده است.

واقعاً، اوه، می‌توانم تصور کنم که بعضی از نوجوانان بگویند، اوه، این پولس است. ما او را دوست داریم. پولس نیست، و او از اینکه چقدر به این جماعت خاص اهمیت می‌دهد، چیزی را پنهان نمی‌کند.

استفاده کند، بله، باشد. او می‌خواهد واکنشی را برانگیزد. او این استراتژی exodium و بنابراین، اگر او از بلاغی را می‌شناسد.

و با این حال، این یک استراتژی بلاغی نیست که صرفاً برای لفاظی در نظر گرفته شده باشد، بلکه هدف آن انتقال نیت و آرزوی واقعی او به مردم است. او عمیقاً به آنها اهمیت می‌دهد. در آیه ۵، اشاره به حمایت مالی کلیسا از پولس را می‌بینید.

به خاطر مشارکت شما در انجیل از روز اول تا به حال، اگر آنها به طرق قابل توجهی با پولس همکاری داشته‌اند، شاید این کار را به هیچ وجه بهتر از کمک مالی خود انجام نداده‌اند. به همین دلیل، پولس سپاسگزار است. با نگاهی به شکرگزاری، اجازه دهید فقط چند نکته را که پولس در اینجا به خاطر آنها شکرگزاری می‌کند، برجسته کنم.

او می‌نویسد، در تمام خاطراتم برای تو، از خدای خود سپاسگزارم. وای، حافظه چیز خوبی است. این یکی از چیزهایی است که من محقق عهد عتیق نیستم، اما یکی از چیزهایی است که در مورد عهد عتیق دوست دارم. و از آن لذت می‌برم.

گاهی اوقات، خواندن و مرور کلمات، یادآوری را به همراه دارد. اگر فقط روابط، تجربه با خدا و تمام آنچه در گذشته بوده را به خاطر بسپارید، آنها باید بر نحوه نگاه شما به مسائل تأثیر بگذارند. برای پولس، او واقعاً برای به یاد آوردن این افراد وقت می‌گذارد زیرا آنها برای او عزیز هستند.

او این را بدون هیچ تردیدی در شکرگزاری خود ابراز کرد. در شکرگزاری خود، او در واقع نشان می‌دهد که با شادی دعا می‌کند. و در واقع، او از خدا برای چنین همکاری بزرگی که بین او و این کلیسای خاص همچنان وجود دارد، تشکر می‌کند.

آنها شرکای بسیار خوبی بوده‌اند. این چیز بزرگی است که باید به خاطرش خدا را شکر کرد. و این همکاری به طرق مختلف خود را نشان می‌دهد.

به دلیل این همکاری، او می‌توانست از کار نیک خدا در میان آنها اطمینان خاطر دهد. من بسیار جالب می‌دانم که پولس می‌تواند جملات جسورانه‌ای مانند آیه ۶ بیان کند. و من از این مطمئنم که کسی که کار نیک را در شما آغاز کرده است، آن را در روز عیسی مسیح به اتمام خواهد رساند. بگذارید مکث کنم و بپرسم، چرا؟ چرا پولس این همه تشکر بزرگ را ابراز می‌کند؟ خب، بگذارید فقط یک یا دو نکته را برای فکر کردن به شما ارائه دهم.

من قبلاً به برخی موارد اشاره کرده‌ام. اما آنها جایگاه ویژه‌ای در قلب او دارند. اگر ما این موضوع را در جای دیگری از پولس ندیده‌ایم، به همین دلیل است که باید در مورد رابطه او با این افراد فکر کنیم.

برای پولس، مشارکت واقعی واقعاً مهم است. و به همین دلیل است که او می‌تواند بگوید خدا شاهد است که اشتیاق عمیقی برای کلیسای فیلیپی دارد. اشتیاق عمیق، همانطور که چندین بار در این مجموعه سخنرانی‌ها خواهید شنید، پولس به سرعت از خدا تشکر می‌کند، قلبی سپاسگزار را تشویق می‌کند و دعا می‌کند.

من فکر می‌کنم دعا در آثار پولس یکی از مضامینی است که در تمام مطالعات پولس کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مردی است که دوست دارد در مورد دعا صحبت کند و با نامه‌هایی با دعا و از این قبیل چیزها شروع می‌کند. به نحوه دعا کردن او و بیان دعایش از آیه ۹ نگاه کنید. و دعای من این است که عشق شما بیشتر و بیشتر شود، عشق شما افزایش یابد.

پولس در ادامه به بیان ماهیت این عشق خواهد پرداخت. این نه تنها یک ارتباط عاطفی است که او با آنها دارد، بلکه ارتباطی است که با حکمت و بصیرت کامل ابراز می‌شود. پولس در دعای خود برای درخواست، از آنها می‌خواهد که همانطور که دعا می‌کند، عشق آنها با حکمت و بصیرت کامل افزایش یابد، او دعا می‌کند تا آنها آنچه را که عالی است، تأیید کنند و بنابراین برای روز مسیح، پاک، اخلاقی و بی‌عیب باشند و پر از میوه عدالتی باشند که از طریق عیسی مسیح می‌آید.

برای جلال و ستایش. به یاد داشته باشید، من اشاره کردم که چگونه او از ستایش و سرزنش برای ستایش خدا استفاده کرد. پولس برای تعالی اخلاقی دعا می‌کند و درباره ثمره عدالت صحبت می‌کند.

در غلاطیان، که بخشی از آزمایش ما نیست، پولس از همین استعاره برای صحبت در مورد میوه روح استفاده می‌کند. میوه از رشد طبیعی زاده می‌شود. پارسایی برای مؤمن چیزی نیست که تحمیل شود.

برای کسانی که در مسیح رشد می‌کنند، این پاکی اخلاقی نتیجه طبیعی رشد آنها می‌شود. و او دعا می‌کند که این امر در میان مؤمنان با ایمان به واقعیت تبدیل شود. او با دعا برای آرمان‌های اخلاقی برای کلیسا، در واقع دعا می‌کند که این امر تا یا در روز مسیح، در چارچوب زمانی آخرالزمانی، به واقعیت تبدیل شود.

من پولس را دوست دارم، و از اینکه چطور این چیزها را مطرح می‌کند خوشم می‌آید. و شاید بهتر باشد اینجا مکث کنم و برخی از موضوعاتی را که او در دعایش برجسته می‌کند به شما نشان دهم تا خودتان بتوانید در

مورد آنها فکر کنید. چه در حال رانندگی باشید و چه با هم در حال مطالعه این موضوع باشید، فقط در مورد آن فکر کنید.

اگر پشت میز هستید، پیشنهاد می‌کنم که کتاب مقدس خود را باز کنید و در دعا به این مضامین توجه کنید. شادی، سرور، رفاقت یا مشارکت، اشاره به انجیل تاکنون، عشق و محبت، روز مسیح، سخاوت کلیسا. به چگونگی حرکت این مضامین از ابتدا تا به امروز نگاه کنید و شروع به درک رابطه پولس با این کلیسا کنید.

می‌خواهم بحث آیات ۱ تا ۱۱ را با نقل قولی از بن ویتزینگتون، نقل قولی دیگر از بن ویتزینگتون، به پایان برسانم. شما زیاد از من در مورد او شنیده‌اید، زیرا او یکی از کسانی است که اخیراً تفسیری بر رساله فیلیپیان منتشر کرده است. می‌خواهم از افکار او در این مورد استفاده کنم.

بن ویتزینگتون می‌نویسد، تأکید بر تفکر و تأمل ذهنی، فیلیپیان را از دیگر اسناد پولس متمایز می‌کند، چرا که حدود ده بار از کلمه یونانی فروئتو به معنای فکر کردن، پردازش ذهنی استفاده شده است و در فیلیپیان با آن هم‌ریشه است، در حالی که در سایر نامه‌های بلامنازع پولس تنها یازده بار از این کلمه استفاده شده است. پولس قصد دارد کلیسا را از نظر طرز تفکر به چالش بکشد. تاکنون دیده‌اید که چگونه رابطه و معنویت در اینجا توسعه می‌یابد.

و او در ادامه به چند نکته اشاره خواهد کرد. اجازه دهید فقط چند نکته را به شما گوشزد کنم. روایتی که ما در اینجا دنبال می‌کنیم، توسط بن ویتزینگتون به عنوان روایتی طبقه‌بندی شده است که به وضوح نشان می‌دهد پولس از فن خطابه باستانی استفاده کرده و سپس در چارچوب فن خطابه خود، از نارشو پیروی کرده است.

به همین دلیل است که ویتزینگتون، که تفسیرش در واقع به همین منظور است، ادامه می‌دهد: « این روایت زمینه را برای آنچه در ادامه می‌آید، فراهم می‌کند و به مخاطبان می‌گوید که پولس و انجیل‌هایش با چه مشکلاتی روبرو بودند تا ترس‌هایشان از پولس را کاهش دهد و به آنها نمونه‌ای از نحوه رفتار در مواجهه با ناملایمات و دشمنان احتمالی ارائه دهد.» بنابراین، ویتزینگتون در ادامه سعی می‌کند بگوید: « هی، می‌دانید چیست؟ پولس می‌داند، می‌دانید، پولس می‌داند که در واقع، این افراد لزوماً رنج نمی‌کشند، اما چون او رنج می‌کشد، می‌تواند از این مزیت استفاده کند تا به آنها نشان دهد که الگوی خوبی برای آنها هستند، زیرا به خوبی می‌داند که اعتماد آنها را جلب کرده است و آنها طرف او خواهند بود.» در آیات ۱۲ تا ۲۶، ما فقط به چند مورد از این موارد نگاه می‌کنیم.

برخی از مشاهدات، مشاهدات کلی که شما اینجا مطرح خواهید کرد قبل از اینکه من در سخنرانی بعدی آن را باز کنم. خواهید دید که حضار اینجا از چند نکته آگاه هستند و شاید من باید متن را بخوانم. برادران می‌خواهم بدانید که آنچه برای من اتفاق افتاده است واقعاً به پیشرفت انجیل کمک کرده است، به طوری که در کل گارد امپراتوری یا برخی از ترجمه‌ها، در پراتوریوم و برای همه آشکار شده است که حبس من برای مسیح است.

و اکثر برادران، چون به سبب زندانی شدن من در خداوند مطمئن شده‌اند، با جسارت بیشتری کلام را بدون ترس بیان می‌کنند. برخی از روی حسادت و رقابت موعظه می‌کنند، اما برخی دیگر از روی حسن نیت. اینان این کار را از روی محبت انجام می‌دهند، زیرا می‌دانند که من برای دفاع از انجیل به اینجا آمده‌ام.

اولی مسیح را از روی جاه‌طلبی خودخواهانه، نه صادقانه، بلکه با این فکر که مرا در زندانم رنج دهد موعظه می‌کند. پس چه؟ فقط به هر طریقی، چه به تظاهر و چه به حقیقت، مسیح موعظه می‌شود و من از این بابت شادمانم. برمی‌گردم تا بتوانم برخی از ویژگی‌های این متن را برایتان شرح دهم و به شما نشان دهم.

اما می‌خواهم چند نکته‌ای را که تاکنون در فیلم‌های به آنها پرداخته شده است، در نظر داشته باشید. پولس به یک کلیسا سلام کرد، اما به چیزی بازگشت که در بحث‌های مسیحی یا علمی امروزی در مورد این کتاب، چندان مورد تأکید قرار نمی‌گیرد، چیزی که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم، از نظر پولس، روابط، روابط انسانی مهم هستند و ما تاکنون در این چند آیه این موضوع را دیده‌ایم.

رفاقت، مشارکت و دوستی بخشی از گفتگو هستند و در نحوه معرفی افراد و بیان چارچوب گفت‌وگو کاملاً مشهودند. دوم، رابطه با خدا اهمیت دارد. تا جایی که او در همان ابتدای نامه از خدا تشکر می‌کند تا نشان دهد که می‌داند زندگی در خداوند عیسی مسیح به معنای واقعی کلمه تحت سلطه خداست.

همچنین می‌خواهم بر این واقعیت تأکید کنم که دعا برای پولس مهم است. شاید زیاد در مورد آن نشنیده باشید. من اینجا هستم تا به شما بگویم که پولس این را درک می‌کند.

حتی با نوشتن نامه‌اش، او می‌خواست، نیاز داشت که کلیسا بداند دعا مهم است، و از طرف آنها از خدا کمک خواست و از او کمک خواست تا آنها نیز بتوانند این بخش از زندگی خود را بسازند. پولس با قرار دادن چارچوبی برای ادامه بحث، به ما نشان می‌دهد که آنها به عنوان دوستان واقعی، باید بدانند چه اتفاقی می‌افتد، اینکه او آگاه است که اگرچه دوستان خوبی دارد، برخی از زندانی بودن او سوءاستفاده می‌کنند و از روی جاه‌طلبی خودخواهانه انجیل را موعظه می‌کنند، اما او در مسیر خود باقی خواهد ماند. آنها می‌خواهند خدا جلال یابد.

او می‌خواهد وحدت و نجابت بخشی از بدن مسیح باشد. او الگوهای را بیان می‌کند که باید از آنها پیروی شود تا کلیسا به مردان و زنانی تبدیل شود که خدا می‌خواهد در یک مستعمره رومی به نام فیلیپی باشند جایی که جامعه اطراف ممکن است بت‌پرست باشند، ممکن است جادوگری کنند، ممکن است به انواع و اقسام روش‌ها زندگی کنند، اما مسیحیان مطابق با معیار مسیح زندگی می‌کنند. امیدوارم در همان ابتدای بحث در مورد فصل اول فیلم‌های، تقریباً در نیمه راه این موضوع باشیم، که شما شروع به درک آنچه پولس سعی در انتقال آن دارد، کرده باشید و از شما می‌خواهم که با طی کردن این فرآیند یادگیری، آن را درونی کنید، در مورد آن تأمل کنید و شاید از خود بپرسید، تا چه حد می‌توانم برخی از این موارد را یاد بگیرم یا در مسیر شخصی خود با مسیح عیسی به کار ببرم؟ اگر در دوستی، مشارکت، دعا و شکرگزاری چیزی مفید یافتید، فکر می‌کنم شروع بسیار خوبی داشته‌اید و امیدوارم در جریان یادگیری با هم، به رشد خود ادامه دهیم و به پیروان وفادار مسیح عیسی تبدیل شویم.

از شما بابت پیوستن به فرآیند یادگیری مطالعات کتاب مقدس در اینجا، در «نامه‌های زندان»، سپاسگزاریم. امیدوارم دوباره به ما بپیوندید و این یادگیری را با ما ادامه دهید.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۹، فیلم‌های ۱ است.